

تغییر خط پهلوی

محمد موسی زاده

کارشناس ارشد تاریخ ایران و کارشناس ادبیات فارسی

مهتری جهانگرد

کارشناس مدیریت آموزشی

چکیده

خطوط مرده و متروک دنیا هر کدام با یک یا چند دلیل از دلایل بالا از رونق افتاده و جای خود را به خطوط دیگر داده‌اند. برای مثال، برای خط میخی که پس از حمله اسکندر و تشکیل حکومت سلوکی کم‌کم گرد فراموشی بر آن نشست، می‌توان دلایل زیر را برشمرد:

تغییر در حکومت: که با فروپاشی امپراتوری هخامنشی اتفاق افتاد. احاطه فرهنگ غالب: بنابر قولی، اسکندر با مشورت ارسطو در صدد تغییر فرهنگ در ایران به وسیله مهاجرت و تشکیل کلونی‌های یونانی‌نشین و ایجاد پیوند زناشویی بین سربازان مقدونی و یونانی با زنان ایرانی برای حکومت بر ایرانیان بود.

علل دیگر، معایب خط میخی، نبود ابزارهای مناسب برای نشر آن و همچنین همراه نبودن اراده حاکمان برای این کار؛ زیرا تا حدود صد سال یونانیان و فرهنگ هلنی بر ایران مسلط بود و مجالی برای فرهنگ ایرانی و خط میخی نبود.

خط پهلوی و خط فارسی دری

خط پهلوی در دوران ساسانیان برای نوشتن زبان فارسی آن دوران - که آن را پارسی میانه می‌نامند - از خط آرامی - که می‌توان آن را مادر همه خط‌های الفبایی دانست - گرفته شده است. این خط تا سه قرن پس از اسلام در سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌ها و اسناد و معاملات و کتاب‌ها و رسالاتی که به زبان پهلوانیک و پارسیک نوشته می‌شد، به کار می‌رفته است.

خط فارسی دری: برای نوشتن زبان فارسی دری که امروز به آن گفت‌وگو می‌شود، ۳۲

بود که به پهلوی جنوبی و پهلوی پارسی نیز شهرت دارد، اما این خط طی چهار قرن پس از حمله اعراب، در میان ایرانیان از رونق افتاد. عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی گوناگونی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر این تغییر و دگرگونی اثرگذار بوده‌اند. با توجه به گزارش‌های تاریخی در کتب مختلف، فرضیاتی چند برای دلایل این تغییر می‌توان یافت؛ از جمله: حمله و تسلط اعراب و مبارزه آن‌ها برای از بین بردن فرهنگ جامعه مغلوب، استقبال ایرانیان از خط و فرهنگ جدید با توجه به تغییر دین، سیاست حاکمان عرب برای سیادت عربی و هم‌زمان، تلاش فرهیختگان شعوبی برای تساوای عرب و عجم و برتری عجم.

چرا خطوط تغییر می‌کنند؟

در تمام طول تاریخ، خطوط بسیاری به علل مختلف تغییر یافته یا به دلایلی چند متروک شده‌اند و کسی دیگر از آن‌ها استفاده نمی‌کند؛ مانند خطوط آرامی، میخی و هیروگلیف.

دلایل عمده این تغییرات ممکن است موارد زیر باشد:

تغییر در دین، تغییر در حکومت، احاطه فرهنگ، معایب خط، ورود فناوری و علم، زیبایی و کارایی، اراده حاکمان، نابودی تمدن، مهاجرت، تغییر فکری جامعه، ارتباطات بین‌المللی، اختراعات جدید کاربردی، ابزار نگارش، نبود امکانات و ...

در گذشته، به خاطر نبود امکانات چاپ و نشر به شیوه امروزی و سختی نگارش، خط و کتابت با سرعت بیشتری دچار تغییر می‌شد.

در دوران ساسانیان، خط پهلوی زبان دینی و اداری حکومت ایران بود. خط پهلوی از دوران اشکانی تا سه قرن بعد از اسلام در سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌ها و اسناد معاملات و کتاب‌ها و رسالات گوناگون - که به زبان پهلوانیک و پارسیک نوشته شده‌اند - کاربرد داشته است. با هجوم اعراب بیابان‌گرد به ایران و شکست ساسانیان و برافتادن حکومت آنان، خط و کتابت پهلوی به انزوا کشیده شده و خط و زبان عربی، که زبان قوم فاتح بود، با توجه به نیازهای زمان کم‌کم جای کتابت پهلوی را گرفت. به این ترتیب، بعد از چهار قرن خط پهلوی در میان اکثر مردم رو به فراموشی گذاشت. به جز معایب عمده‌ای چون پیچیدگی و نارسا بودن خط پهلوی و وجود کلمات آرامی، عوامل عمده دیگری در نقاط مختلف امپراتوری ایران سبب این تغییر خط بودند؛ از جمله اجبار و اصرار اعراب، اشتیاق ایرانیان نومسلمان، فراگیری خط و زبان عربی که راهی بود برای ورود به خدمت حکومت‌های محلی اعراب، و دلایل دیگر که در متن پیش رو گفته شده است. ایرانیان علاوه بر پذیرش و گسترش خط عربی - اسلامی و به‌روزرسانی و تکامل آن، سبب گسترش دین اسلام در مشرق قلمرو اسلامی نیز شدند.

کلیدواژه‌ها: خط پهلوی، تغییر خط، خط عربی - اسلامی، تکامل خط

مقدمه

هنگام هجوم اعراب به ایران، زبان و خط ادبی، سیاسی و دینی ایران پهلوی ساسانی

حرف و چهار نشانهٔ مصوت به کار می‌رود. خط عربی دارای ۲۸ حرف صامت است که هر یک نشان یک صداست و چند علامت برای زیر و زبر و پیش و تنوین و تشدید و آی مدی دارد، که اگر مصوت‌ها را هم به آن‌ها بیفزاییم ۳۵ حرف می‌شود. ایرانی‌ها برای نوشتن فارسی امروزی چهار حرف برای صداهایی که در عربی نیست، به خط عربی افزوده‌اند که عبارت‌اند از (پ)، (چ)، (ژ) و (گ). درست نمی‌دانیم که ایرانیان خط عربی را از چه زمانی برای نوشتن زبان خود به کار برده‌اند؛ زیرا کهن‌ترین متن تاریخ‌دار فارسی به خط عربی از قرن پنجم هجری به جا مانده اما مسلم است که خط مشترک عربی و فارسی مدت‌ها پیش از آن، برای نوشتن نامه‌ها و اسناد دولتی در ایران رایج بوده است (بیابانی، ۱۳۳۸).

برخی از ویژگی‌های خط پهلوی و عوامل بازدارنده در استفاده از این خط

زبان پهلوی در مفهوم فارسی میانهٔ غربی جنوبی، دنبالهٔ فارسی باستان است و قلمرو اصلی آن سرزمین فارس بوده است. زمان آن از اواخر دورهٔ هخامنشی شروع می‌شود و تا چند سدهٔ اول دوران اسلامی ادامه می‌یابد. از نخستین مراحل آن، اثر مکتوبی در دست نیست. قدیمی‌ترین نشانه از آن در فاصلهٔ پایان دورهٔ هخامنشی و آغاز حکومت ساسانیان، سکه‌های برخی از امرای محلی است که فرترکه یا فرترکه نامیده شده‌اند.

یکی از ویژگی‌های نگارشی مهم خط پهلوی (کتیبه‌ای و کتابی) به کار بردن هزاورش است. هزاورش‌ها کلمات آرامی‌الاصلی هستند که به خط پهلوی نوشته می‌شدند و معادل پهلوی آن‌ها به تلفظ درمی‌آمد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۰). مثلاً «ملک» می‌نوشتند و هنگام قرائت، «شاه» می‌خواندند. یکی دیگر از ویژگی‌های خط پهلوی املائی تاریخی است؛ یعنی صورت مکتوب کلمات، نشان‌دهندهٔ تلفظی است که آن کلمات هنگامی که نخستین بار به آن خط نوشته شده، دارا بوده‌اند. بنابراین، صورت مکتوب و ملفوظ کلمات با یکدیگر اختلاف دارند (همان: ۴۶).

یکی از عیب‌های بزرگ خط پهلوی، که

خواندن آن را بسیار دشوار می‌کند، ترکیب حرف‌ها با یکدیگر است که اغلب، صورتی متفاوت با هر دو حرف از آن‌ها حاصل می‌شود. مشکل دیگر برای خواندن خط پهلوی این است که یک حرف نشانهٔ چند واک مختلف است و تنها از روی قرینه و آشنایی کامل با این زبان می‌توان دریافت که هر حرف چگونه باید خوانده شود.

خط فارسی دری نسبت به خط پیچیدهٔ فارسی میانه (پهلوی)، این مزیت را داشت که فوق‌العاده ساده بود؛ چنان‌که پذیرفتن آن

خط پهلوی در دوران ساسانیان برای نوشتن زبان فارسی آن دوران – که آن را پارسی میانه می‌نامند – از خط آرامی – که می‌توان آن را مادر همهٔ خط‌های الفبایی دانست – گرفته شده است. این خط تا سه قرن پس از اسلام در سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌ها و اسناد و معاملات و کتاب‌ها و رسالاتی که به زبان پهلوانیک و پارسیک نوشته می‌شد، به کار می‌رفته است

موجب پیشرفت شد. زبان فارسی صداهای حلقی عربی را، که به آن‌ها احتیاج نداشت، رها کرد ولی، روی هم‌رفته، الفبا را همان‌طور که بود پذیرفت. به جای چند حرف بی‌صدای مهم فارسی (پ، چ، گ)، که در عربی وجود ندارد، در بدو امر، چند حرف نزدیک به آن (ب، ج، ک) به کار رفت و بعداً تمییز دقیق‌تری انجام گرفت (ریپکا، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۰۳).

در شرق حتی در حال حاضر به اینکه خط بیشتر از زبان با مذهب مرتبط است، تمایلی نشان داده می‌شود. زبان بعضی از مسیحیان سوریه عربی است لکن آن‌ها ترجیح می‌دهند زبان عربی را به خط سریانی بنویسند و آثاری که به زبان عربی و به خط سریانی نوشته شده است، به مقدار متناهی وجود دارد.

همچنین، ارمنی‌های ترک، زبان ترکی را به خط ارمنی و یونانیان ترک، زبان ترکی را به خط یونانی می‌نویسند (براون، ۱۳۳۵).

به نظر شرقیان، ارتباط خط پهلوی با کیش زردشتی حتی بیشتر از ایرانیان زردشتی به دین اسلام بود. همین که یکی از ایرانیان زردشتی به دین اسلام می‌پیوست، علی‌القاعده، کتاب پهلوی را به‌طور قطع رها می‌کرد؛ زیرا این خط نه‌تنها پرزحمت و ثقیل بود بلکه مخلوط و ممزوج با کفر و زندقه بود. به علاوه، تا موقعی که خط پهلوی وسیلهٔ مکاتبه بود، نوشتن و حتی خواندن در میان ایرانیان به استثنای موبدان، دستوران و دبیران، از نوادر کمالات محسوب می‌شد (همان: ۱۶/۱۷/۱۸).

آیا تغییر خط در ایران به یکباره، اجباری و همگانی بوده است؟

برخلاف آنچه تصور می‌شود، این خط به یکباره از میان نرفت بلکه تا چند قرن پس از حملهٔ اعراب نیز، در ایران رواج داشت و کتاب‌ها و کتیبه‌های زیادی به این لهجه نوشته شد. همین آثار بوده‌اند که به زبان‌های عربی و فارسی دری ترجمه گردیده‌اند و پاره‌ای از آن‌ها تا به امروز باقی می‌باشد. با مطالعهٔ کتب تاریخی، با قطعیت نمی‌توان معلوم کرد که به‌طور ناگهانی و اجباری نوشتن خط همگانی اعلام شده باشد. این کار در همگانی کردن دین اسلام هم رخ نداده است.

دلایل عدم تغییر اجباری و همگانی

خط

وجود سکه‌های معروف به عرب

ساسانی

پس از شاهنشاهی ساسانی و کشته شدن یزدگرد سوم در مرو (۶۲۵ میلادی) فرمانروایان عرب، سکه‌هایی مشابه سکه‌های ساسانی ضرب کردند. این سکه‌ها در حقیقت اولین سکه‌های اسلامی به شمار می‌رود. حکمرانان مسلمان تصاویر خود را روی مسکوکات نقش نکردند بلکه تصاویر پادشاهان ساسانی را، همان‌گونه که بود، روی سکه‌ها گذاشتند. ضرب درهم‌های عرب ساسانی، در عهد خلفای راشدین و اوایل دولت بنی‌امیه، یعنی تا زمان عبدالملک بن مروان در سال ۷۹ هـ.ق، ادامه داشت.